

پرستش خدا در سختی‌ها

اعمال باب ۱۶: ۱۶-۲۶

مقدمه

در ابتدای کلاس بازی زیر را با بچه‌ها انجام دهید:
برای هر یک از لغات یک حرکت انتخاب کنید. برای مثال زندان (همه بچه‌ها به یک گوشه از اتاق بدوند)، خانه (به گوشه دیگر اتاق بدوند)، پرستش خدا (بالا و پایین بپرند و با شادی دست‌شان را حرکت بدهند)، زنجیر (در هر جا که هستند بر روی زمین بنشینند و پاهای‌شان را به داخل شکم‌شان بیاورند و با دست‌ها زانوی‌شان را بگیرند). بعد از اینکه یک بار حرکت‌ها را با بچه‌ها تکرار کردید توضیح دهید که در درس امروز هر بار به یکی از این لغات برمی‌خورند باید سریع حرکت را انجام دهند.

درس

قبل از شروع درس مقدمه خیلی کوتاهی در مورد زندگی پولس و سیلاس تهیه کنید و به بچه‌ها توضیح دهید که آنها دو مرد خدا بودند که بعد از ایمان‌شان به عیسی مسیح تصمیم گرفتند او را تا آخر عمر خدمت کنند.
داستان را از روی کتاب تفسیری که متنش برای بچه‌ها آسان‌تر است بخوانید و یا به زبان ساده داستان را تعریف کنید.

در ادامه می‌توانید سؤالات زیر را مطرح کنید. اولین نفری که جواب سؤالات را پیدا کند باید دستش را بالا برده و بگوید بینگو. در نتیجه آن فرد برنده است. می‌توانید به برنده یک امتیاز مثبت بدهید (نگاه کنید به قسمت امتیازها، سخنی با معلمین).

هدف:

ما باید پیام‌وریم که چطور حتی در شرایط سخت زندگی هم می‌توان خدا را پرستید.

آیه حفظی:

مزمور ۱۰۴: ۳۳

من تا زنده هستم خداوند را خواهم سراپید! تا وجود دارم برای خدایم سرود ستایش خواهم خواند!
(ترجمه هزاره نو)

- ۱- پولس و سیلاس در چه شهری به زندان افتادند؟
- ۲- پولس و سیلاس چرا به زندان افتادند؟
- ۳- وقتی پولس و سیلاس در زندان دعا و پرستش می کردند چه اتفاقی افتاد؟
- ۴- زندانبان وقتی پولس و سیلاس را آزاد دید چه کار کرد؟

کاربرد

از بچه‌ها بخواهید به اتفاقات خوب و بدی که در این داستان برای پولس و سیلاس افتاد فکر کنند. به بچه‌ها یادآوری کنید که در همه حال خدا با پولس و سیلاس بود، حتی در زندان. به بچه‌ها توضیح دهید که بر خلاف تصور خیلی‌ها مسیحی شدن ما دلیل بر این نیست که دیگر مشکلی برای ما پیش نیاید. حتی عیسای مسیح در کتاب مقدس از قبل گفته بود که چه مشکلاتی ممکن است برای مسیحیان پیش بیاید. از بچه‌ها بخواهید توضیح دهند که چه مشکلاتی ممکن است برای مسیحیان پیش بیاید (برای مثال: از طرف دوستان و خانواده بی‌توجهی دیدن، به زندان افتادن، حتی مریض شدن و مرگ عزیزان...).

توضیح دهید که وقتی در مشکلات هستیم واکنش ما نشان می‌دهد که آیا به خدا اعتماد می‌کنیم یا نه. پولس و سیلاس می‌دانستند که خدا با آنهاست و از آنها محافظت می‌کند. برای همین وقتی در زندان بودند او را می‌پرستیدند و با شادی برای او سرود می‌خواندند. پرستش در زمان سختی به ما امید می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا وعده‌های خدا را به یاد بیاوریم. یکی از آن وعده‌ها این است که او هیچ وقت ما را ترک نمی‌کند.

در ادامه بچه‌ها را دایره وار بنشانید. بخواهید هر نفر یک جمله بگوید: مثلاً ”وقتی من ناراحت هستم“ یا ”وقتی کارم سخته“، ”وقتی مادر و پدرم دعوا می‌کنند“، ”وقتی تنها هستم“، ”وقتی شادم“، ”وقتی با مادر و پدرم می‌رم مسافرت“، ”وقتی دوستم با من حرف نمی‌زند“. ایرادی ندارد جملات بچه‌ها تکراری باشد اما تشویقشان کنید تا در مورد چیزهای خوب و بد فکر کنند و جملات تازه بسازند. بقیه بچه‌ها وقتی جمله دوست‌شان تمام می‌شود باید بگویند ”خدا با من است و او را می‌پرستم“.

در ادامه می‌توانید دعای کوتاهی با بچه‌ها داشته باشید و آیهٔ حفظی را تمرین کنید.

کمک درسی

- ۱- کاردستی، فرشتهٔ محافظ / کتاب کاردستی‌ها، صفحهٔ ۷۶

۲- بازی

بچه‌ها را دو به دو تقسیم کنید. بخواهید هر تیم زنجیری را با کاغذ بسازند که به اندازه دور کمر هر دوی آنها شود. بعد شما مسئول هستید زنجیری که آنها درست کرده‌اند را دور کمرشان ببندید. وقتی همه گروه‌ها با زنجیر به هم وصل شدند آنگاه سرود پرستشی‌ای بگذارید و از بچه‌ها بخواهید با شادی حرکت کنند و بالا و پایین بپرند و خدا را پرستند، تا زمانی که زنجیرها پاره شود و دو نفر آزاد شوند. این بازی در حالی که داستان را به یاد بچه‌ها می‌آورد جالب و شاد است.